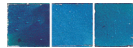




تبیین نقش و جایگاه نهادهای نظارتی وراهکارهای ارتقای اثربخشی و اعتماد عمومی

رضامقصودخواه
کارشناسی ارشد مکانیک - تبدیل انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، رئیس سازمان
نظام مهندسی ساختمان استان همدان، عضو شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی ساختمان
rezamaghsodkhan@gmail.com





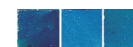
سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان به عنوان نهادهای عمومی غیردولتی، نقش مهمی در ارتقای کیفیت ساخت‌وساز، اجرای مقررات ملی ساختمان و صیانت از حقوق بهره‌برداران ایفا می‌کنند.



با این حال، نظام نظارت بر عملکرد سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه شده است. تعدد مراجع نظارتی، تفاوت در برداشت از حدود صلاحیت‌ها، تداخل برخی وظایف نظارتی، طولانی شدن فرایندهای تصمیم‌گیری و افزایش ریسک حقوقی مدیران، از جمله عواملی است که می‌تواند بر سرعت و اثربخشی عملکرد این سازمان‌ها تأثیرگذار باشد. نظارت، زمانی می‌تواند موجب ارتقای عملکرد یک نهاد شود که علاوه بر کنترل قانونی، مبتنی بر شناخت دقیق ماهیت تخصصی، وظایف قانونی و الزامات اجرایی آن نهاد باشد.

از سوی دیگر، برخی تصمیمات و آرای صادره از مراجع نظارتی و قضایی، به ویژه آرای دیوان عدالت اداری، در راستای رعایت اصل حاکمیت قانون، جلوگیری از توسعه صلاحیت‌های خارج از حدود قانونی و حمایت از حقوق اشخاص صادر شده‌اند؛ با این حال، آثار اجرایی و نهادی این تصمیمات نیز نیازمند بررسی است. محدود شدن برخی فرایندهای اجرایی مانند شناسنامه فنی و ملکی ساختمان و تغییر در سازوکارهای مرتبط با سهم سازمان‌ها از خدمات مهندسی، درموردی موجب کاهش بخشی از منابع درآمدی سازمان‌ها شده است. اگرچه رعایت اصل قانونی بودن دریافت‌ها و جلوگیری از تحمیل هزینه‌های غیرضروری بر شهروندان ضرورتی انکارناپذیر است، اما کاهش منابع سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان بدون پیش‌بینی سازوکارهای جایگزین می‌تواند بر توان آنها در توسعه خدمات تخصصی، آموزش، سامانه‌های نظارتی و ایفای وظایف قانونی اثرگذار باشد.

بنابراین، مسئله اصلی این مطلب آن است که چگونه می‌توان میان ضرورت نظارت مؤثر،



نظام نظارت بر عملکرد سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه شده است.



متناسب با مسئولیت‌های قانونی سازمان‌های نظام‌مهندسی است. در نهایت، اصلاح ساختار نظارتی باید به گونه‌ای انجام شود که ضمن تضمین شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون، توان حرفه‌ای و نهادی سازمان‌ها برای تحقق اهداف قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان حفظ و تقویت شود.

۲- مقدمه

صنعت ساختمان به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی و زیربنایی کشور، نقش مستقیمی در تأمین ایمنی، رفاه عمومی و توسعه پایدار شهری دارد. پیچیدگی فرایند ساخت‌وساز، تنوع تخصص‌های دخیل و آثار بلندمدت تصمیمات فنی و اجرایی در این حوزه، ضرورت وجود نظامی منسجم برای کنترل کیفیت، نظارت حرفه‌ای و تضمین رعایت مقررات فنی را دوچندان کرده است. در همین راستا، قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان با هدف ارتقای کیفیت ساخت‌وساز، تنظیم روابط حرفه‌ای، حمایت از حقوق بهره‌برداران و ایجاد سازوکارهای نظارت بر فعالیت‌های مهندسی، سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان را به عنوان نهادهای عمومی غیردولتی تأسیس کرده است.

سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان طی سال‌های فعالیت خود، علاوه بر ارائه خدمات حرفه‌ای به اعضا و جامعه، مسئولیت‌های گسترده‌ای در زمینه آموزش و ارتقای دانش مهندسان، توسعه فرهنگ ایمنی، کنترل اجرای مقررات ملی ساختمان و همکاری با دستگاه‌های اجرایی بر عهده داشته‌اند. تحقق این مأموریت‌ها نیازمند وجود ساختار مدیریتی کارآمد، استقلال حرفه‌ای، منابع مالی پایدار و نظام نظارتی هماهنگ و هدفمند است.

۱- چکیده

سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان به عنوان نهادهای عمومی غیردولتی، نقش مهمی در ارتقای کیفیت ساخت‌وساز، اجرای مقررات ملی ساختمان و صیانت از حقوق بهره‌برداران ایفا می‌کنند. تحقق این اهداف مستلزم وجود نظام نظارتی کارآمد، هماهنگ و مبتنی بر شناخت دقیق از جایگاه قانونی و حرفه‌ای این سازمان‌ها است. با وجود اهداف مثبت نظارت‌های قانونی و قضایی، تعدد مراجع نظارتی، تداخل صلاحیت‌ها، برداشت‌های متفاوت از مقررات و برخی تصمیمات مبتنی بر رویکرد صرفاً حقوقی، در مواردی موجب ایجاد چالش‌هایی در فرایند مدیریت، تصمیم‌گیری و تأمین منابع پایدار سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان شده است.

این پژوهش ضمن بررسی جایگاه نهادهای نظارتی در سازمان نظام‌مهندسی ساختمان، به بررسی چالش‌های ناشی از پراکندگی مراجع نظارتی، کاهش امنیت تصمیم‌گیری مدیران، تأثیر برخی آرای دیوان عدالت اداری بر سازوکارهای اجرایی و درآمدی سازمان‌ها و پیامدهای آن بر توان انجام وظایف قانونی می‌پردازد. محدود شدن برخی فرایندها از جمله شناسنامه فنی و ملکی ساختمان و سهم سازمان‌ها از برخی خدمات مهندسی، اگرچه در چارچوب کنترل قانونی و رعایت حقوق عمومی قابل بررسی است، اما بدون پیش‌بینی سازوکارهای جایگزین می‌تواند بر ظرفیت نظارتی، آموزشی و توسعه‌ای سازمان‌ها اثرگذار باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای اثربخشی نظام نظارت، نیازمند ایجاد هماهنگی میان نهادهای نظارتی، تبیین دقیق حدود صلاحیت‌ها، توجه به آثار اجرایی تصمیمات حقوقی و پیش‌بینی منابع مالی پایدار



چگونه می‌توان میان ضرورت نظارت مؤثر، رعایت الزامات قانونی، حفظ حقوق عمومی و تأمین توان اجرایی سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان تعادل ایجاد کرد؟

شود [۱،۵،۶]. این نظارت‌ها، علاوه بر بررسی انطباق اقدامات سازمان با قوانین، باید زمینه ارتقای کارآمدی، شفافیت، سلامت اداری و اعتماد عمومی را نیز فراهم آورند. از این رو، فلسفه وجودی نظارت صرفاً کشف تخلف و اعمال ضمانت اجرا نیست، بلکه هدایت سازمان به سمت تحقق مأموریت‌های قانونی و بهبود مستمر عملکرد نیز از اهداف اساسی آن محسوب می‌شود.

۳-۳- تنوع مراجع نظارتی و ضرورت تفکیک صلاحیت‌ها

یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی حاکم بر سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان، وجود مراجع متعدد نظارتی است که هر یک بر اساس قوانین خاص، صلاحیت مشخصی دارند. وزارت راه و شهرسازی، شورای مرکزی سازمان نظام‌مهندسی ساختمان، شوراهای انتظامی، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری، دستگاه قضایی و سایر مراجع قانونی، هر یک بخشی از فرایند نظارت را بر عهده دارند.

اصل حاکم بر این ساختار آن است که صلاحیت هر مرجع در حدود قانون تعریف شده و اعمال نظارت باید با رعایت اصل تفکیک صلاحیت‌ها صورت گیرد. رعایت این اصل از تداخل وظایف، صدور تصمیمات متعارض و ایجاد ابهام در فرایندهای اجرایی جلوگیری می‌کند. در مقابل، هرگونه توسعه یا تفسیر موسع از حدود اختیارات مراجع نظارتی، می‌تواند موجب کاهش امنیت حقوقی، افزایش تعارضات نهادی و اختلال در فرایند اداره سازمان شود [۱،۲،۳،۴].

و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴ و آئین‌نامه اجرایی آن است. این قانون با هدف ارتقای کیفیت خدمات

مهندسی، افزایش ایمنی، حفظ سرمایه‌های ملی، رعایت حقوق بهره‌برداران و استقرار نظام حرفه‌ای در صنعت ساختمان تصویب شده و چارچوب تشکیل، وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های سازمان‌های نظام‌مهندسی را مشخص کرده است [۱،۲].

بر اساس این قانون، سازمان نظام‌مهندسی ساختمان دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و در عین استقلال اداری و مالی، موظف است فعالیت‌های خود را در چارچوب قوانین و مقررات و تحت نظارت مراجع قانونی انجام دهد. بنابراین، استقلال سازمان به معنای عدم نظارت نیست، بلکه بیانگر استقلال در اداره امور داخلی در چارچوب قانون است.

۳-۲- نظارت حاکمیتی و اصل پاسخگویی

از منظر حقوق عمومی، هر نهادی که عهده‌دار انجام وظایف عمومی باشد، باید در برابر قانون و نهادهای نظارتی پاسخگو باشد. سازمان نظام‌مهندسی ساختمان نیز به دلیل ایفای بخشی از وظایف حاکمیتی در حوزه تنظیم امور حرفه‌ای، کنترل خدمات مهندسی و مشارکت در اجرای مقررات ملی ساختمان، مشمول اصل پاسخگویی عمومی است. بر همین اساس، قانونگذار نظارت بر عملکرد

این سازمان را به مراجع مختلفی واگذار کرده است تا از انحراف از اهداف قانونی، سوءجریان‌های احتمالی و تضییع حقوق عمومی جلوگیری

رعایت الزامات قانونی، حفظ حقوق عمومی و تأمین توان اجرایی سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان تعادل ایجاد کرد؟ پاسخ به این پرسش نیازمند بازنگری در ساختار نظارتی، تبیین دقیق حدود صلاحیت نهادهای مختلف، ارزیابی آثار تصمیمات نظارتی و طراحی سازوکارهایی برای تقویت کارآمدی و اعتماد عمومی است.

این مقاله ضمن بررسی جایگاه نهادهای نظارتی در نظام‌مهندسی ساختمان، چالش‌های موجود در فرایند نظارت، پیامدهای تصمیمات نظارتی بر عملکرد سازمان‌ها و راهکارهای ارتقای اثربخشی این نظام را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳- مبانی حقوقی نظارت بر سازمان نظام‌مهندسی ساختمان

نظام نظارت بر سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان، بر مجموعه‌ای از قواعد حقوقی، مقررات تخصصی و سازوکارهای نظارتی استوار است که هدف آن تضمین حسن اجرای قانون، صیانت از حقوق عمومی، ارتقای کیفیت خدمات مهندسی و تحقق اهداف قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان است. برخلاف بسیاری از تشکلهای صنفی، سازمان نظام‌مهندسی ساختمان به موجب قانون، نهادی حرفه‌ای و عمومی غیردولتی محسوب می‌شود و از این رو ضمن برخورداری از استقلال سازمانی، در برابر مراجع قانونی نیز پاسخگو است. این ویژگی، موجب شکل‌گیری نظامی از نظارت‌های درون سازمانی و برون سازمانی شده که هر یک دارای مبنای قانونی، حدود صلاحیت و اهداف مشخص هستند [۱].

۳-۱- مبانی قانونی و جایگاه سازمان

مهم‌ترین مبنای حقوقی فعالیت سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان، قانون نظام‌مهندسی

فلسفه وجودی نظارت صرفاً کشف تخلف و اعمال ضمانت اجرا نیست، بلکه هدایت سازمان به سمت تحقق مأموریت‌های قانونی و بهبود مستمر عملکرد نیز از اهداف اساسی آن محسوب می‌شود.



نظام نظارت بر سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان در ایران بر پایه تعدد نهادهای ناظر با صلاحیت‌های متفاوت شکل گرفته است.



با این حال، نظارت وزارتخانه باید در چارچوب اختیارات مصرح قانونی اعمال شود و نباید جایگزین اختیارات ارکان قانونی سازمان یا سایر مراجع صلاحیت‌دار گردد. رعایت این مرز، ضمن حفظ استقلال حرفه‌ای سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان، از تمرکز بیش از حد اختیارات نیز جلوگیری می‌کند [۱،۲].

۲-۴- شورای مرکزی؛ مرجع هماهنگی و وحدت رویه

شورای مرکزی سازمان نظام‌مهندسی ساختمان به عنوان عالی‌ترین رکن حرفه‌ای سازمان در سطح ملی، وظیفه ایجاد هماهنگی میان سازمان‌های استانی، تدوین دستورالعمل‌های اجرایی، ارائه پیشنهادی اصلاحی و پیگیری اجرای سیاست‌های کلان را بر عهده دارد.

اگرچه شورای مرکزی در برخی حوزه‌ها دارای نقش نظارتی است، اما مهم‌ترین مأموریت آن، ایجاد وحدت رویه و هماهنگی حرفه‌ای میان سازمان‌های استانی است. از این منظر، تقویت نقش شورای مرکزی در تبیین و تفسیر اجرایی مقررات، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش اختلاف برداشت‌ها و انسجام تصمیمات مدیریتی داشته باشد [۱،۲].

۳-۴- هیئت‌مدیره و بازرسان سازمان‌های استانی؛ نظارت درون‌سازمانی

هیئت‌مدیره هر سازمان استانی مسئول اداره امور اجرایی، مالی و حرفه‌ای سازمان در چارچوب

ناظر استوار نیست، بلکه بر تنظیم دقیق حدود صلاحیت‌ها، تفسیر منسجم مقررات، هماهنگی میان مراجع قانونی و استقرار نظام نظارتی کارآمد و پاسخگو استوار است. هرگونه اصلاح در ساختار نظارت نیز باید با حفظ این اصول و در چارچوب قانون صورت گیرد تا ضمن صیانت از حقوق عمومی، استقلال حرفه‌ای سازمان‌ها و کارآمدی نظام‌مهندسی ساختمان نیز حفظ شود [۵،۶].

۴- جایگاه و صلاحیت نهادهای نظارتی

نظام نظارت بر سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان در ایران بر پایه تعدد نهادهای ناظر با صلاحیت‌های متفاوت شکل گرفته است. این ساختار، در صورت رعایت حدود اختیارات قانونی و هماهنگی میان مراجع ذیصلاح، می‌تواند موجب ارتقای شفافیت، پاسخگویی و سلامت اداری شود؛ اما هرگونه هم‌پوشانی در صلاحیت‌ها، توسعه برداشت از اختیارات قانونی یا مداخله در وظایف سایر مراجع، می‌تواند به تعارض در تصمیم‌گیری، کاهش کارآمدی و اختلال در ارائه خدمات مهندسی منجر شود. از این رو، شناخت جایگاه هر یک از نهادهای نظارتی و مرزبندی دقیق صلاحیت‌های آنان، از الزامات تحقق حکمرانی مطلوب در نظام مهندسی ساختمان است.

۱-۴- وزارت راه و شهرسازی؛ نهاد عالی سیاست‌گذار و ناظر حاکمیتی

مطابق قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان، وزارت راه و شهرسازی عالی‌ترین مرجع حاکمیتی در حوزه سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اجرای قانون محسوب می‌شود. این وزارتخانه از طریق تدوین آئین‌نامه‌ها، ابلاغ دستورالعمل‌ها، نظارت بر حسن اجرای قانون و اعمال اختیارات قانونی نسبت به سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان، نقش راهبردی در تحقق اهداف قانون ایفا می‌کند.

۳-۴- چالش تفسیر مقررات و ضرورت وحدت رویه

یکی از مهم‌ترین مسائل حقوقی در نظام نظارت، نبود سازوکار مؤثر برای تفسیر واحد مقررات است. در بسیاری از موارد، قوانین و آئین‌نامه‌ها دارای ابهام یا قابلیت برداشت‌های متفاوت هستند و در فقدان مرجع تخصصی برای ارائه تفسیر رسمی، هر یک از نهادهای نظارتی یا اجرایی ممکن است برداشت مستقلی از حکم قانونی ارائه کنند. این وضعیت می‌تواند به اتخاذ تصمیم‌های متفاوت در موضوعات مشابه، کاهش پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات اداری، افزایش ریسک حقوقی مدیران و کندی اجرای فرایندهای سازمانی منجر شود.

در نظام‌های نوین حکمرانی، وحدت در تفسیر مقررات یکی از پیش‌شرط‌های تحقق حکمرانی مطلوب، شفافیت و امنیت حقوقی محسوب می‌شود. از این رو، ایجاد سازوکارهای هماهنگ‌کننده، تدوین رویه‌های مشترک و بهره‌گیری از تفاسیر رسمی و تخصصی، نقش مهمی در ارتقای اثربخشی نظام نظارت و کاهش تعارضات اجرایی خواهد داشت.

۳-۵- اصول حاکم بر نظارت مطلوب

باتوجه به مبانی حقوق عمومی و الزامات حکمرانی مطلوب، نظارت بر سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان باید بر اصولی همچون قانون‌مداری، شفافیت، پاسخگویی، تناسب، استقلال، تخصص، هماهنگی بین‌نهادی، پیشگیری، عدالت اداری و حفظ امنیت حقوقی استوار باشد. تحقق این اصول، علاوه بر افزایش اثربخشی نظارت، موجب ارتقای کیفیت تصمیمات، کاهش اختلافات نهادی، تسهیل ارائه خدمات مهندسی و تقویت اعتماد عمومی خواهد شد.

در نتیجه، مبانی حقوقی نظارت بر سازمان نظام‌مهندسی ساختمان صرفاً بر تعدد نهادهای



نظارت وزارتخانه باید در چارچوب اختیارات مصرح قانونی اعمال شود و نباید جایگزین اختیارات ارکان قانونی سازمان یا سایر مراجع صلاحیت‌دار گردد.





تقویت نقش شورای مرکزی در تبیین و تفسیر اجرایی مقررات، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش اختلاف برداشت‌ها و انسجام تصمیمات مدیریتی داشته باشد.

وصف کیفی یا موجب مسئولیت مدنی باشد، رسیدگی به آن در صلاحیت مراجع قضایی است. این رسیدگی‌ها مستقل از نظارت‌های اداری و انتظامی انجام می‌شود و تابع قواعد آئین دادرسی و قوانین ماهوی مربوط است. تفکیک میان مسئولیت اداری، انتظامی، حقوقی و کیفی از اصول بنیادین حقوق عمومی است و رعایت آن مانع از تداخل صلاحیت‌ها و صدور تصمیمات متعارض خواهد شد [۸].

۵- چالش‌های نظام نظارت

با وجود پیش‌بینی سازوکارهای متعدد نظارتی در قوانین و مقررات، تجربه اجرای قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان نشان می‌دهد که نظام نظارت موجود با چالش‌هایی مواجه است که در برخی موارد، اثربخشی نظارت را کاهش داده و بر عملکرد سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان تأثیر گذاشته است. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از کمبود نهادهای نظارتی نیست، بلکه از تعدد مراجع تصمیم‌گیر، نبود هماهنگی نهادی، ابهام در حدود صلاحیت‌ها، اختلاف در تفسیر مقررات و ضعف در بهره‌گیری از ابزارهای نوین نظارتی ناشی می‌شود. استمرار این وضعیت می‌تواند ضمن افزایش هزینه‌های اداری، بر کیفیت ارائه خدمات مهندسی، امنیت حقوقی و اعتماد عمومی نیز اثرگذار باشد.

۵-۱- تعدد مراجع نظارتی و هم‌پوشانی صلاحیت‌ها

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام نظارت، حضور هم‌زمان مراجع متعدد با مأموریت‌های نظارتی مشابه یا نزدیک به یکدیگر است. وزارت راه و شهرسازی، شورای مرکزی، سازمان بازرسی کل کشور، شوراهای انتظامی، دیوان عدالت اداری،

کشور، این سازمان وظیفه نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های مشمول را بر عهده دارد. هرچند سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان دارای ماهیت عمومی غیردولتی هستند، اما در حدود مقرر در قوانین، اقدامات و فرایندهای مرتبط با انجام وظایف عمومی آنها می‌تواند مورد بررسی سازمان بازرسی قرارگیرد.

نظارت سازمان بازرسی، نظارتی فرایندمحور و قانون‌مدار است و هدف اصلی آن، اصلاح رویه‌ها، پیشگیری از تخلفات و ارتقای سلامت نظام اداری است. در این چارچوب، ارائه تفسیرهای حقوقی از مقررات تخصصی باید با رعایت صلاحیت مراجع قانونی و در هماهنگی با نهادهای ذی‌صلاح انجام شود تا از ایجاد تعارض در اجرا جلوگیری گردد [۳].

۴-۶- دیوان عدالت اداری؛ تضمین‌کننده مشروعیت تصمیمات اداری

دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به شکایات، اعتراضات و تظلمات اشخاص نسبت به تصمیمات و اقدامات واحدهای اداری و نهادهای عمومی است. تصمیمات سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان نیز در حدود مقرر در قانون، قابلیت رسیدگی در دیوان عدالت اداری را دارند.

نقش دیوان در نظام نظارت، تضمین حاکمیت قانون، حمایت از حقوق اشخاص و کنترل مشروعیت تصمیمات اداری است. آرای این مرجع، در بسیاری از موارد به ایجاد رویه‌های حقوقی مؤثر در تفسیر قوانین و رفع ابهامات اجرایی کمک می‌کند [۴].

۴-۷- مراجع قضایی؛ رسیدگی به مسئولیت‌های کیفی و حقوقی

چنانچه اقدامات مدیران، اعضا یا کارکنان سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان واجد

قانون است. در کنار آن، بازرسان منتخب مجمع عمومی نیز به عنوان رکن نظارتی داخلی، وظیفه بررسی عملکرد مالی، اداری و انطباق تصمیمات با قوانین و مقررات را بر عهده دارند.

این نوع نظارت، نخستین لایه کنترل داخلی محسوب می‌شود و در صورت انجام صحیح، می‌تواند از بروز بسیاری از تخلفات یا انحرافات پیشگیری کند. به همین دلیل، تقویت استقلال، تخصص و اختیارات بازرسان داخلی از الزامات افزایش اثربخشی نظام نظارت است [۱، ۲].

۴-۴- شوراهای انتظامی؛ مرجع رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای

شوراهای انتظامی سازمان نظام‌مهندسی ساختمان، مراجع تخصصی رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای اعضا سازمان هستند. وظیفه اصلی این شوراهای بررسی تخلفات انتظامی مهندسان، اعمال ضمانت‌اجراهای انتظامی و صیانت از اخلاق حرفه‌ای و شئون مهندسی است.

صلاحیت شوراهای انتظامی محدود به تخلفات انتظامی است و نباید با مسئولیت‌های کیفی، حقوقی یا اداری خلط شود. رعایت این تفکیک، ضمن حفظ حقوق اشخاص، از موازی‌کاری میان مراجع مختلف نیز جلوگیری می‌کند [۱، ۲].

۴-۵- سازمان بازرسی کل کشور؛ نظارت بر حسن جریان امور

بر اساس قانون تشکیل سازمان بازرسی کل



تفکیک میان مسئولیت اداری، انتظامی، حقوقی و کیفی از اصول بنیادین حقوق عمومی است و رعایت آن مانع از تداخل صلاحیت‌ها و صدور تصمیمات متعارض خواهد شد.



یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام نظارت، حضور هم‌زمان مراجع متعددی با
مأموریت‌های نظارتی مشابه یا نزدیک به یکدیگر است.

مراجع قضایی و

سایر نهادهای قانونی،

هر یک بخشی از فرایند نظارت را

برعهده دارند.

هرچند این تنوع دراصل باهدف افزایش شفافیت و پاسخگویی ایجاد شده است، اما درنبرد سازوکار مؤثر برای هماهنگی میان مراجع، ممکن است به موازی‌کاری، صدور دستورات متفاوت، افزایش بار اداری و طولانی شدن فرایندهای تصمیم‌گیری منجر شود. در چنین شرایطی، مدیران سازمان‌ها ناگزیر از پاسخگویی هم‌زمان به مراجع متعدد با برداشت‌های متفاوت خواهند بود که این امر بر سرعت و کیفیت تصمیمات مدیریتی تأثیر می‌گذارد [۱،۲،۳].

۲-۵- اختلاف در تفسیر قوانین و مقررات

یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های نظام نظارت، برداشت‌های متفاوت از قوانین، آئین‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی است. در بسیاری از موارد، مقررات موجود به دلیل کلی بودن یا وجود ابهام در برخی احکام، قابلیت برداشت‌های مختلف را دارند. در نبود مرجع تخصصی و الزام‌آور برای تفسیر مقررات، هر یک از نهادهای نظارتی یا اجرایی ممکن است برداشت متفاوتی از یک حکم قانونی ارائه کنند.

پیامد این وضعیت، صدور تصمیم‌های متفاوت در موضوعات مشابه، کاهش قابلیت پیش‌بینی تصمیمات اداری، افزایش ریسک حقوقی مدیران، ایجاد بلا تکلیفی در فرایندهای اجرایی و شکل‌گیری اختلاف میان مراجع ذی‌ربط است. در نتیجه، بخشی از ظرفیت مدیریتی سازمان‌ها به جای تمرکز بر ارتقای کیفیت خدمات، صرف پاسخگویی به تعارض‌های ناشی از اختلاف برداشت‌ها می‌شود [۱،۲،۳].

۳-۵- نبود مرجع تخصصی برای تفسیر رسمی مقررات

یکی از خلأهای ساختاری سازمان نظام مهندسی ساختمان، فقدان سازوکار مشخص برای ارائه تفسیر رسمی، تخصصی و الزام‌آور از مقررات مرتبط است. در نظام‌های حقوقی پیشرفته، وجود مرجع تخصصی تفسیر مقررات، ضمن ایجاد وحدت رویه، از بروز اختلافات اجرایی جلوگیری می‌کند. در مقابل، نبود چنین مرجعی موجب می‌شود که برداشت‌های مختلف جایگزین تفسیر واحد شده و امنیت حقوقی ذی‌نفعان کاهش یابد.

ایجاد سازوکاری قانونی برای تفسیر رسمی مقررات، می‌تواند ضمن کاهش تعارضات، از صدور بخشنامه‌های متعدد و گاه متفاوت نیز جلوگیری کرده و انسجام بیشتری در نظام تصمیم‌گیری ایجاد کند [۱،۲،۳].

۴-۵- غلبه نظارت واکنشی بر نظارت پیشگیرانه

در بسیاری از موارد، نظام نظارت پس از وقوع تخلف یا بروز اختلاف فعال می‌شود و تمرکز اصلی آن بر کشف تخلفات و اعمال ضمانت اجرا است. در حالی که رویکردهای نوین حکمرانی، پیشگیری از تخلف، مدیریت ریسک، آموزش، شفاف‌سازی فرایندها و اصلاح ساختارها را در اولویت قرار می‌دهند.

توسعه نظارت پیشگیرانه می‌تواند از طریق تدوین دستورالعمل‌های شفاف، آموزش مستمر مدیران و اعضا سازمان، استقرار

سامانه‌های هوشمند کنترل فرایندها و پایش مستمر شاخص‌های عملکرد، نقش مؤثری در کاهش تخلفات و افزایش کارآمدی نظام نظارت ایفا کند [۱،۵،۶].

۵-۵- ضعف در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین نظارتی

تحول دیجیتال، فرصت‌های گسترده‌ای برای

افزایش شفافیت، سرعت و دقت نظارت فراهم کرده است؛ با این حال، بخش قابل توجهی از فرایندهای نظارتی همچنان متکی بر مکاتبات سنتی، بررسی‌های موردی و روش‌های غیرسیستمی است.

نبود سامانه‌های یکپارچه اطلاعاتی، دشواری دسترسی برخط به داده‌های مدیریتی، عدم استفاده از داشبوردهای تحلیلی و فقدان شاخص‌های هوشمند ارزیابی عملکرد، موجب می‌شود بخش مهمی از ظرفیت فناوری در خدمت نظام نظارت قرار نگیرد. حرکت به سوی حکمرانی داده‌محور، می‌تواند نقش مهمی در افزایش دقت، سرعت و شفافیت فرایندهای نظارتی داشته باشد [۵،۶،۷].

۶-۵- افزایش ریسک حقوقی مدیران و کاهش امنیت تصمیم‌گیری

در شرایطی که برداشت‌های متفاوت از مقررات وجود داشته باشد و حدود صلاحیت مراجع نظارتی به‌طور کامل روشن نباشد، مدیران سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان در معرض افزایش ریسک حقوقی قرار می‌گیرند. این وضعیت ممکن است به احتیاط بیش از حد در تصمیم‌گیری، تأخیر در اجرای وظایف قانونی یا خودداری از اتخاذ تصمیمات ضروری منجر شود.

در نتیجه، کارآمدی سازمان کاهش یافته و ارائه خدمات به اعضا و متقاضیان با تأخیر یا پیچیدگی بیشتری همراه خواهد شد. تأمین امنیت حقوقی مدیران، از طریق شفاف‌سازی مقررات و ایجاد وحدت رویه، یکی از پیش‌نیازهای مدیریت کارآمد در سازمان‌های حرفه‌ای است [۱،۵].

۷-۵- تأثیر چالش‌های نظارتی بر اعتماد عمومی

اعتماد عمومی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های سازمان نظام مهندسی ساختمان است. هرگاه

ایجاد سازوکاری قانونی برای تفسیر رسمی مقررات، می‌تواند ضمن کاهش تعارضات، از صدور بخشنامه‌های متعدد و گاه متفاوت نیز جلوگیری کرده و انسجام بیشتری در نظام تصمیم‌گیری ایجاد کند.



تأمین امنیت حقوقی مدیران، از طریق شفاف‌سازی مقررات و ایجاد وحدت رویه، یکی از پیش‌نیازهای مدیریت کارآمد در سازمان‌های حرفه‌ای است.

نظام‌مهندسی ساختمان» با حضور نمایندگان وزارت راه و شهرسازی، شورای مرکزی، حقوقدانان و متخصصان حوزه مهندسی می‌تواند ضمن ایجاد وحدت رویه، از صدور بخشنامه‌های متعارض جلوگیری کرده و امنیت حقوقی مدیران، مهندسان و ذی‌نفعان را افزایش دهد [۱،۲].

۲-۶- استقرار نظام حکمرانی یکپارچه نظارت

تعدد نهادهای نظارتی، زمانی کارآمد خواهد بود که میان آنها تقسیم روشن صلاحیت، سازوکار هماهنگی و تبادل اطلاعات وجود داشته باشد. تدوین «سند ملی تقسیم صلاحیت‌های نظارتی» یا «پروتکل همکاری میان نهادهای نظارتی» می‌تواند از موازی‌کاری، تداخل وظایف و صدور تصمیم‌های متعارض جلوگیری کند.

در این چارچوب، هر مرجع باید در حدود صلاحیت قانونی خود عمل کرده و از مداخله در حوزه وظایف سایر مراجع پرهیز کند. چنین رویکردی علاوه بر افزایش انسجام تصمیمات، موجب کاهش هزینه‌های اجرایی و افزایش سرعت ارائه خدمات خواهد شد [۱،۲،۵].

۳-۶- توسعه نظارت هوشمند و داده‌محور

تحول دیجیتال، فرصت مناسبی برای ارتقای نظام نظارت فراهم کرده است. ایجاد سامانه‌های یکپارچه اطلاعاتی، داشبوردهای مدیریتی، پایش برخط فرایندها و تحلیل داده‌های عملکردی می‌تواند بخش قابل توجهی از نظارت‌های سنتی را به نظارت هوشمند تبدیل کند.

نظارت داده‌محور این امکان را فراهم می‌آورد که به جای تمرکز صرف بر رسیدگی به تخلفات پس از وقوع، نقاط پریسک شناسایی شده و اقدامات پیشگیرانه به‌موقع انجام شود. همچنین، دسترسی مشترک مراجع قانونی به اطلاعات

نظام‌مهندسی ساختمان صرفاً یک تشکل صنفی نیستند، بلکه بخشی از وظایف عمومی مرتبط با ارتقای کیفیت ساخت‌وساز، اجرای مقررات ملی ساختمان و صیانت از حقوق بهره‌برداران را بر عهده دارند.

بنابراین، هرگونه اصلاح در فرایندهای مالی و اجرایی این سازمان‌ها باید همراه با پیش‌بینی منابع جایگزین و سازوکارهای قانونی جدید باشد تا کاهش درآمدها به کاهش ظرفیت نظارتی، آموزشی و حرفه‌ای سازمان‌ها منجر نشود [۱،۲].

۶- راهکارهای ارتقای اثربخشی نظارت

با توجه به چالش‌های مطرح‌شده، ارتقای نظام نظارت بر سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان مستلزم اتخاذ رویکردی جامع، مبتنی بر اصول حکمرانی مطلوب، شفافیت، قانون‌مداری و هماهنگی بین‌نهادهای است. تجربه نظام‌های حرفه‌ای موفق نشان می‌دهد که اثربخشی نظارت بیش از آنکه به افزایش تعداد نهادهای ناظر وابسته باشد، به کیفیت تعامل میان آنها، شفافیت مقررات، بهره‌گیری از فناوری و استقرار نظام ارزیابی عملکرد بستگی دارد. بر این اساس، راهکارهای زیر می‌تواند در ارتقای کارآمدی نظام نظارت مؤثر باشد.

۱-۶- ایجاد سازوکار رسمی برای تفسیر واحد مقررات

یکی از مهم‌ترین اصلاحات مورد نیاز، پیش‌بینی مرجع تخصصی و رسمی برای تفسیر قوانین، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های حوزه نظام‌مهندسی ساختمان است. اختلاف در برداشت از مقررات، زمینه‌ساز تصمیم‌های متفاوت و ایجاد تعارض میان مراجع نظارتی و اجرایی است. تشکیل «کمیته ملی تفسیر مقررات

فرایندهای نظارتی با شفافیت، عدالت، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری همراه باشد، اعتماد ذی‌نفعان به تصمیمات سازمان و نهادهای نظارتی افزایش می‌یابد. در مقابل، اختلاف در تصمیمات، طولانی شدن فرایندها، ابهام در مقررات و تعارض میان مراجع، می‌تواند این اعتماد را کاهش دهد.

بنابراین، هدف نظام نظارت نباید صرفاً افزایش کنترل یا توسعه ابزارهای نظارتی باشد، بلکه باید ارتقای کیفیت حکمرانی، افزایش پاسخگویی، ایجاد امنیت حقوقی، تسهیل ارائه خدمات و تقویت اعتماد عمومی را نیز دنبال کند [۵،۶،۷].

۵-۸- تأثیر تصمیمات نظارتی بر پایداری مالی و توان اجرایی سازمان‌ها

سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان به عنوان نهادهای عمومی غیردولتی، برای انجام مأموریت‌های قانونی خود نیازمند منابع مالی پایدار هستند. این منابع علاوه بر تأمین هزینه‌های جاری سازمان، نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های نظارتی، آموزش مهندسان، ارتقای سامانه‌های الکترونیکی، انجام مطالعات تخصصی و ارائه خدمات حرفه‌ای ایفا می‌کند.

در سال‌های اخیر، برخی تصمیمات و آرای صادره از سوی مراجع نظارتی، به ویژه دیوان عدالت اداری، موجب تغییر در برخی سازوکارهای اجرایی و درآمدی سازمان‌ها شده است. از جمله این موارد می‌توان به محدود شدن نقش سازمان‌ها در فرایند شناسنامه فنی و ملکی ساختمان و همچنین کاهش یا حذف برخی سهم‌های مرتبط با خدمات طراحی اشاره کرد.

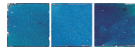
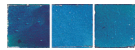
بدیهی است که نظارت قضایی و کنترل مشروعیت تصمیمات اداری، یکی از ارکان مهم حاکمیت قانون محسوب می‌شود؛ اما در ارزیابی آثار این تصمیمات باید توجه داشت که سازمان‌های

سازمان‌های نظام‌مهندسی ساختمان صرفاً یک تشکل صنفی نیستند، بلکه بخشی از وظایف عمومی مرتبط با ارتقای کیفیت ساخت‌وساز، اجرای مقررات ملی ساختمان و صیانت از حقوق بهره‌برداران را بر عهده دارند.





تعدد نهادهای نظارتی، زمانی کارآمد خواهد بود که میان آنها تقسیم روشن صلاحیت، سازوکار هماهنگی و تبادل اطلاعات وجود داشته باشد.



۵-۶- تقویت نظارت پیشگیرانه و مدیریت ریسک

کارآمدترین نظام‌های نظارتی، رویکردی پیشگیرانه دارند. به جای تمرکز صرف بر کشف تخلفات، باید با شناسایی ریسک‌ها، آموزش مستمر، اصلاح فرایندها و ارتقای شفافیت از بروز تخلفات جلوگیری کرد.

استقرار نظام مدیریت ریسک، تدوین دستورالعمل‌های روشن، آموزش مدیران و کارکنان، و ارائه مشاوره حقوقی پیش از تصمیم‌گیری، از جمله اقداماتی است که می‌تواند احتمال بروز اختلافات و تخلفات را به میزان قابل توجهی کاهش دهد [۵،۶].

۶-۶- ارتقای دانش حقوقی و تخصصی نهادهای نظارتی

پیچیدگی مقررات حوزه ساختمان ایجاب می‌کند که مأموران و کارشناسان نهادهای نظارتی، علاوه بر دانش حقوق عمومی، با مفاهیم فنی، مقررات ملی ساختمان و ساختار حقوقی سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان نیز آشنایی کافی داشته باشند.

برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک میان نهادهای نظارتی، تدوین راهنماهای تخصصی، انتشار آرای وحدت رویه و تبادل تجربیات، می‌تواند به کاهش اختلاف برداشت‌ها و افزایش کیفیت تصمیمات نظارتی کمک کند [۱،۲].

۷-۶- ارتقای شفافیت و پاسخگویی

شفافیت یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش اعتماد عمومی است. انتشار ضوابط، فرایندها، گزارش‌های عملکرد، شاخص‌های ارزیابی و نتایج اقدامات نظارتی، ضمن افزایش پاسخگویی، زمینه مشارکت مؤثر

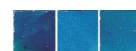
معتبر، از تکرار درخواست‌ها و افزایش بار اداری بر سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان جلوگیری خواهد کرد [۵،۶،۷].

۴-۶- استقرار نظام ارزیابی عملکرد مبتنی بر شاخص‌های تخصصی

یکی از خلأهای موجود، نبود شاخص‌های استاندارد برای ارزیابی عملکرد سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان است. طراحی شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPI) در حوزه‌هایی نظیر کیفیت خدمات مهندسی، سرعت ارائه خدمات، شفافیت مالی، رسیدگی به شکایات، رعایت مقررات ملی ساختمان، رضایت ذی‌نفعان و میزان تحقق برنامه‌های راهبردی، می‌تواند ارزیابی عملکرد را از قضاوت‌های سلیقه‌ای به ارزیابی‌های مستند و قابل اندازه‌گیری تبدیل کند. نظارت مبتنی بر شاخص، ضمن افزایش عدالت و شفافیت، امکان مقایسه عملکرد سازمان‌های استانی، شناسایی نقاط ضعف و انتقال تجربیات موفق را نیز فراهم می‌کند [۵،۶].

جدول ۱- نمونه شاخص‌های ارزیابی اثربخشی نظام نظارت

شاخص	هدف
متوسط زمان ارائه خدمات مهندسی	افزایش بهره‌وری
میزان اجرای آرای نظارتی	سنجش اثربخشی نظارت
تعداد شکایات منجر به رأی قطعی	ارزیابی کیفیت خدمات
میزان رعایت مقررات ملی ساختمان	کنترل کیفیت فنی
رضایت اعضا و بهره‌برداران	سنجش اعتماد عمومی



یکی از خلأهای موجود، نبود شاخص‌های استاندارد برای ارزیابی عملکرد سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان است.



ذی‌نفعان را نیز فراهم می‌کند. همچنین ایجاد سامانه‌های الکترونیکی برای ثبت، پیگیری و رسیدگی به شکایات، موجب تسریع فرایندها، کاهش مراجعات حضوری و افزایش اعتماد شهروندان به نظام نظارت خواهد شد [۶،۷].

۸-۶- اصلاح قوانین و بازنگری در ساختار نظارت

بخشی از چالش‌های موجود، ناشی از گذشت زمان و تغییر شرایط حرفه‌ای، فناوری و مدیریتی نسبت به زمان تصویب قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان است. بازنگری هدفمند در برخی احکام قانونی، با حفظ فلسفه قانون و بهره‌گیری از تجربیات اجرایی، می‌تواند به رفع ابهامات، تعیین دقیق‌تر حدود صلاحیت‌ها و تقویت هماهنگی میان نهادهای نظارتی کمک کند.

اصلاح قوانین باید با رویکرد تقویت حکمرانی حرفه‌ای، حفظ استقلال سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان، افزایش پاسخگویی و ارتقای کیفیت خدمات مهندسی انجام شود [۱،۲،۵].

۹-۶- بازنگری در تأمین مالی پایدار سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان

اصلاح نظام نظارت بر سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان باید همراه با اصلاح مدل تأمین مالی آنها باشد. محدود شدن برخی منابع درآمدی ناشی از تغییر رویه‌های اجرایی یا آرای مراجع نظارتی، ضرورت پیش‌بینی منابع قانونی، شفاف و متناسب با وظایف عمومی سازمان‌ها را افزایش داده است.

پیشنهاد می‌شود در اصلاح قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان،





پیشنهاد می‌شود در اصلاح قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، چارچوب مشخصی برای تأمین مالی پایدار سازمان‌ها با رعایت حقوق بهره‌برداران، اصل شفافیت و تناسب میان خدمات ارائه‌شده و هزینه‌های مربوطه پیش‌بینی شود.

نظارتی هوشمند، تخصص‌محور، قانون‌مدار و مبتنی بر حکمرانی یکپارچه است؛ نظامی که ضمن حفظ استقلال حرفه‌ای سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان، پاسخگویی، کارآمدی و صیانت از حقوق عمومی را به‌صورت هم‌زمان تأمین‌کند.

همچنین، اصلاح نظام نظارت باید با توجه به آثار اقتصادی تصمیمات نظارتی بر سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان انجام شود؛ زیرا تضعیف منابع پایدار این سازمان‌ها، بدون ایجاد سازوکار جایگزین، می‌تواند بر توان آنها در ایفای وظایف قانونی و تحقق اهداف قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان اثر منفی داشته باشد.

۸- مراجع

- [۱] قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوب ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- [۲] آئین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوب هیئت وزیران، ۱۳۷۵، با اصلاحات بعدی.
- [۳] قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، مصوب ۱۳۶۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- [۴] قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲، با اصلاحات بعدی.
- [۵] قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶، با اصلاحات بعدی.
- [۶] قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، مصوب ۱۳۹۰.
- [۷] قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۷.
- [۸] کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۸.

مهندسی و سطح اعتماد عمومی نیز تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در مقابل، نظارت کارآمد مستلزم آن است که هر مرجع نظارتی در چارچوب صلاحیت‌های قانونی خود ایفای نقش کند و روابط میان نهادهای ناظر بر پایه همکاری، هماهنگی، شفافیت و احترام به حدود اختیارات قانونی استوار باشد. تحقق این هدف نیازمند حرکت از الگوی نظارت صرفاً واکنشی به سمت نظارت پیشگیرانه، هوشمند و مبتنی بر مدیریت ریسک است؛ الگویی که در آن پیشگیری از تخلف، اصلاح فرایندها، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و بهبود مستمر عملکرد، بر برخوردهای پسینی و موردی اولویت دارد.

بر این اساس، پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند که ایجاد مرجع تخصصی برای تفسیر رسمی مقررات، تدوین سازوکارهای هماهنگی میان نهادهای نظارتی، توسعه سامانه‌های هوشمند و یکپارچه نظارتی، استقرار نظام ارزیابی عملکرد مبتنی بر شاخص‌های کلیدی، ارتقای دانش حقوقی و تخصصی نهادهای ناظر و بازنگری هدفمند در برخی مقررات، به عنوان محورهای اصلی اصلاح نظام نظارت مورد توجه قرار گیرد. اجرای این اقدامات می‌تواند ضمن کاهش تعارضات اجرایی، امنیت حقوقی مدیران و مهندسان را افزایش داده، فرایندهای ارائه خدمات را تسهیل کرده و زمینه ارتقای شفافیت و پاسخگویی را فراهم آورد. در نهایت، اثربخشی نظام نظارت بیش از آنکه به افزایش تعداد نهادهای ناظر وابسته باشد به کیفیت حکمرانی، انسجام نهادی، شفافیت مقررات و تفسیر واحد قوانین وابسته است. هرچه نظام نظارت از هماهنگی بیشتر، فرایندهای شفاف‌تر و تصمیمات منسجم‌تری برخوردار باشد، اعتماد عمومی به سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان نیز تقویت خواهد شد. از این رو، آینده نظام مهندسی ساختمان در گرو استقرار نظام

چارچوب مشخصی برای تأمین مالی پایدار سازمان‌ها با رعایت حقوق بهره‌برداران، اصل شفافیت و تناسب میان خدمات ارائه‌شده و هزینه‌های مربوطه پیش‌بینی شود [۱،۲].

۷- جمع‌بندی

نظام نظارت بر سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان، یکی از ارکان اساسی تحقق اهداف قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، ارتقای کیفیت ساخت‌وساز، صیانت از حقوق عمومی و افزایش اعتماد جامعه به خدمات مهندسی است. بررسی مبانی حقوقی، ساختار نظارتی و چالش‌های موجود و نشان می‌دهد که نظام حقوقی کشور از نظر تعداد نهادهای نظارتی و ابزارهای قانونی با کمبود مواجه نیست، بلکه مهم‌ترین مسئله، نحوه تعامل، هماهنگی و تقسیم صلاحیت میان این نهادهاست.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تعدد مراجع نظارتی، در صورت فقدان سازوکارهای مؤثر برای هماهنگی و تفسیر واحد مقررات، می‌تواند به هم‌پوشانی وظایف، اختلاف در برداشت از قوانین، صدور تصمیم‌های متفاوت، افزایش ریسک حقوقی مدیران، کندی فرایندهای اجرایی و کاهش پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات منجر شود. چنین وضعیتی، علاوه بر افزایش هزینه‌های اداری بر کیفیت ارائه خدمات



کارآمدترین نظام‌های نظارتی، رویکردی پیشگیرانه دارند.